

خوانش نحوی تداوم و تغییر در پیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی شهر شیراز، از عهد زندیه تاکنون با استفاده از داده‌های کمی نرم‌افزار «Ucl Depth Map»

چکیده

اغلب نظریه‌پردازان حوزه معماری بر این باورند که فرهنگ، یکی از عوامل مؤثر در طراحی خانه است. پیکره‌بندی فضایی خانه در یک منطقه می‌تواند فرهنگ ساکنان را حمایت یا مختل نماید. از این‌رو شکل خانه در معماری بومی، بیان درک محتوای زندگی است. ضرورت این پژوهش براساس ابعاد زندگی خانوادگی و اجتماعی تبیین می‌شود. خانه‌های دوران زندیه و قاجار و پهلوی شیراز که بیشتر در محله سنگ سیاه واقع شده‌اند، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. تحقیق از نوع ترکیبی است. هدف این پژوهش خوانش سازمان فضایی خانه‌های بومی بافت قدیم شیراز است که با بهره‌گیری از نرم‌افزار نحو فضا (Space Syntax) و آنالیزهای تحلیلی گرافیکی (SPSS) صورت گرفته است. براساس استدلال‌های منطقی که از اطلاعات کمی حاصل از گراف‌های نمایانی خروجی نرم‌افزار Ucl Depth Map به دست آمد، نقاط قوت و ضعف خانه‌های بومی بررسی شد. با تحلیل اطلاعات به دست آمده، الگوی مناسب از لحاظ مفاهیم اجتماعی-فرهنگی که عناصر کهن در آن دخیل هستند، استخراج شد. با توجه به نتایج پژوهش، با ترکیب الگوی برگرفته از این تحقیق با الگوهای سکونت مدرن، می‌توان برای خانه‌های آینده شهرهای تاریخی ایران الگوی جدیدی ارائه کرد.

اهداف پژوهش:

۱. خوانش سازمان فضایی خانه‌های بومی بافت قدیم شیراز
۲. تبیین الگویی مناسب برای مسکن معاصر بر اساس تحلیل کهن الگوهای خانه‌های دوره زندیه و قاجاریه شهر شیراز.

سوالات پژوهش:

۱. فرهنگ (سکونت و اجتماعی) چگونه بر شکل‌گیری سازمان فضایی خانه‌های (زندیه و قاجاریه و پهلوی) شیراز اثر گذاشته است؟
 ۲. نقش طراحان و برنامه‌ریزان معاصر در عصر حاضر، برای استمرار ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی چیست؟
 ۳. محیط‌های بومی چیست؟ نرم‌افزارهای طراحی در این حیطة تا چه حد دخیل هستند؟
- واژگان کلیدی:** خوانش فضا، سازماندهی فضایی، خانه‌های بومی شیراز، پیکره‌بندی فضایی

مقدمه

فرهنگ به عنوان دستاوردی از زندگی فردی و اجتماعی بشر، به همان میزان که نمایان‌گر داشته‌های تمدنی است، به همان میزان نیز می‌تواند نقش پویایی در فرهنگ‌سازی داشته باشد. معماری یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فرهنگی است که مطالعه و واکاوی تحولات آن، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به الگوهای سازنده و تقویت‌کننده مبانی مفید فرهنگی داشته باشد. معماری می‌تواند بستری مناسب برای بازتولید انگاره‌های فرهنگی از طریق تداوم اسلوب‌های

کهن باشد و مطالعه آثار معماری دوره اسلامی در ایران، حکایت از این تداوم نسبی دارد (احمدی زاویه و گلستان، ۱۳۹۷: ۹۶). امروزه در معماری، گرایش‌های روزافزون به مطالعه فرهنگی، شیوه‌های طراحی محیط و معماری در بین نظریه‌پردازان عرصه هنر و معماری حاکی از تغییر فرایند ساخت‌وساز و حرکت از معماری بومی به سمت معماری دانشگاهی است. با این حال، بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند مفهوم فرهنگ، نه تنها در برداشت مردم، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب رسوم و رفتار، بلکه در طراحی اشیا و محیط‌زیست مصنوع از جمله خانه‌ها و محله‌ها نیز تأثیرگذار است (Altman & Chemers, ; Triandis, 1994: 12-22 Malkawi & Al-Qudah, 2003: 25-48). برای نمونه در یک جامعه اسلامی، بخش عمده‌ای از ساختار فضایی خانه‌ها در تقویت مبانی اسلامی و ارزش‌های منطبق بر آن است (ظفرنویایی، ۱۳۹۶: ۷۱) و ساختار فضایی معماری اسلامی، هم نمایانگر ارزش‌های اسلامی و هم مقوم آن است. بنابراین پیکره‌بندی فضایی خانه، طراحی درون آن (سازمان فضایی) و شکل خانه‌ها در یک منطقه می‌تواند فرهنگ ساکنان را حمایت یا مختل نماید (Ozaki, 2002: 107-110; Rapaport, 1969: 49-50). یکی از مهم‌ترین وجوه محل سکونت، امکان کسب هویت در خلال زندگی به واسطه فرهنگ‌پذیری از کالبد سکونتی است، از آنجا که بخشی از هویت فردی در محل سکونت شخصی شکل می‌گیرد، توجه به ویژگی‌های محل سکونت دارای اهمیت بسیاری است (توکلی کازرونی و کشمیری، ۱۳۹۶: ۱۱۵). این نقش، ضرورت بررسی الگوهای معماری بومی، محاسن و معایب احتمالی آن‌ها را افزایش می‌دهد. از این رو بایستی الگوی سازمان‌دهی فضا و پیکره‌بندی آن، به منظور فهم ارتباط بین طراحی فضاهای ساخته شده و ابعاد فرهنگی متعاقب آن، مورد بررسی قرار گیرد. با این تفاسیر، بررسی تأثیر فرهنگ سکونت (شیوه زندگی و آداب رفتاری ناشی از آن) و فرهنگ اجتماعی (روابط اجتماعی، روابط خویشاوندی، ساختار خانواده و...) بر شکل‌گیری فرم و سازمان فضایی خانه‌های بومی مسئله‌ای قابل تأمل است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد توجه به تأثیر مباحث فرهنگی - اجتماعی در معماری، موضوعی است که بسیاری از اندیشمندان این حوزه بدان پرداخته‌اند (Robbins, 1984: 175 Rapaport, 1999: 52-64; 2004: 19; Said, 2001: 41; Baydar Oliver, 2006: 231-503; Hohmann, 2005: 11).

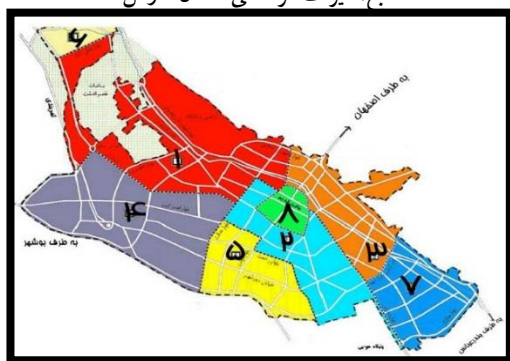
بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص مسئله تداوم و تغییر در پیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی شهر شیراز، از عهد زندیه تا دوره معاصر با استفاده از روش نحو فضا انجام نشده است. با این حال پژوهش‌هایی در حوزه هنر اسلامی انجام شده است که باتکیه بر روش نحو فضا به بررسی رابطه ارزش‌های اجتماعی و انسانی و انعکاس آن‌ها در معماری اسلامی پرداخته است که از آن میان می‌توان به پژوهشی با عنوان «تحلیل روابط اجتماعی - انسانی در فضاهای مسجد - مدرسه‌های دوره قاجار قزونی بر اساس رویکرد نحو فضا»، اشاره داشت که نویسندگان طی این بررسی به این نتیجه رسیده‌اند که ارزش‌ها و روابط اجتماعی تأثیر زیادی در طراحی معماری اسلامی داشته است (سهیلی و عارفیان، ۱۳۹۵: ۴۷۵). پژوهش حاضر با عنوان: «خوانش نحوی تداوم و تغییر در پیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی شهر شیراز، از عهد زندیه تاکنون با استفاده از داده‌های کمی نرم‌افزار (Ucl Depth Map)، کوشیده است تا با خوانش سازمان فضایی خانه‌های بومی بافت قدیم شهر شیراز و بهره‌گیری از نرم‌افزار نحو فضا، نقاط قوت و ضعف آن را با تحلیل کیفی و کمی پیدا کند و تأثیر شیوه زندگی را در این تغییر و تداوم مورد بررسی قرار دهد تا الگوی مناسب از لحاظ مفاهیم اجتماعی - فرهنگی دخیل در کهن‌الگوها را استخراج کند و با تلفیق آن با خواست‌های امروزی در الگوهای سکونت مدرن، پیش درآمدی برای خانه‌های آینده شهرهای تاریخی ایران به دست آورد. در راستای رسیدن به این نتایج از روش تحقیق از روشی ترکیبی استفاده شده است. روش‌های توصیفی، تحلیلی و در نهایت استدلال منطقی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در شرح مراحل و فرآیند انجام پژوهش

از ابزارهای مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده، برداشت میدانی، مصاحبه و پرسشنامه، شبیه‌سازی و قیاس تطبیقی استفاده شده است.

مراحل کار با جمع‌آوری نمونه‌ها (خانه‌های بومی در مکان و زمان مورد اشاره در پژوهش) آغاز شد. از روش «نمونه‌گیری نظری» استفاده شد، چراکه جمع‌آوری نمونه‌ها برخلاف روش‌های کمی با هدف روشن کردن جزئیات و نوع رابطه بین مفاهیم و مقولات محوری تحقیق است. برای رسیدن به اشباع نظری در تحقیقات کیفی مبنایی نیاز به مقوله‌بندی وجود داشت، بنابراین از روش گونه‌شناسی معماری استفاده شد. در این راستا تمامی خانه‌های به‌جای مانده از دوره‌های مورد مطالعه برای نمونه‌گیری و رسیدن به اشباع نظری مورد مشاهده و بررسی اولیه قرار گرفت و ماحصل آن دسته‌بندی آن‌ها بر اساس تکنیک گونه‌شناسی بود. پس از انتخاب نمونه‌ها از دوره‌های تاریخی با بهره‌گیری از گونه‌شناسی و روش اشباع نظری، نمونه‌ها به وسیله‌ی نرم‌افزار تخصصی نحو فضا مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. از قیاس تطبیقی یافته‌های به دست آمده از جداول و نمودارهای نحو فضا و نتایج مستخرج از مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها که در قالب جداول تطبیقی و پروفیل‌های ارزش مکانی ارائه می‌شود به بحث در مورد یافته‌ها و در نهایت به بیان نتایج پرداخته شده است. برای دستیابی به داده‌های کمی، محدوده مکانی به عنوان نمونه موردی از بافت قدیم شهر شیراز استفاده شده است. منطقه تاریخی و فرهنگی قدیمی شهر شیراز با وسعت تقریبی ۳۷۸ هکتار بخشی از محدوده مرکزی شهر شیراز را شامل می‌شود که امروزه منطقه هشت شهرداری شیراز را تشکیل داده است. این منطقه علاوه بر این که هسته اولیه پیدایش شهر شیراز بوده است، در حال حاضر نیز بسیاری از فعالیت‌های مرکزی تجاری، مذهبی، خدماتی و اداری را در خود جای داده و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه قابل توجهی جهت رونق فعالیت‌های سیاحتی، زیارتی، تجارتی، فرهنگی و مسکونی دارد.

تصویر شماره ۱- نقشه مناطق شهری شهر شیراز

منبع: میراث فرهنگی استان فارس



جدول شماره ۱- محلات بافت تاریخی منطقه ۸ شیراز

نام محله	مساحت (هکتار)	مساحت (درصد)	جمعیت	جمعیت به درصد
پالا کفت	۵۹	۱۶	۱۳۰۲۵	۲۲
لب آب	۳۲	۹	۶۶۹۴	۱۱٫۲
سردزک	۴۴	۱۱	۶۲۱۰	۱۰٫۴
سنگ سیاه	۵۴	۱۴	۴۶۹۴	۷٫۸
اسحاق بیگ	۵۱	۱۳	۸۹۸۹	۱۵٫۱
درب شازده	۵۳	۱۴	۱۰۴۱۷	۱۷٫۸
میدان شاه	۴۷	۱۲	۵۸۵۹	۹٫۸
درب مسجد	۳۸	۱۱	۳۵۵۰	۵٫۹
مجموع	۳۷۸	۱۰۰	۵۹۴۳۸	۱۰۰

محله سنگ سیاه یکی از محله‌های منطقه هشت شهر شیراز است. این محله در جنوب غربی بافت تاریخی شهر قرار گرفته و حدود ۵۴ هکتار مساحت دارد. برای درک بهتر موضوع و همچنین خوانش نحوی خانه‌های بومی شیراز با استفاده از نرم‌افزار Ucl Depthmap می‌بایست کالبد معماری انطباق یافته با سیستم رفتارها که بر اساس مطالعات

میدانی و همچنین خانه‌های به‌جای مانده از ادوار مختلف با توجه به جامعه آماری تعیین شده تهیه، و در فرمت DXF ذخیره گردید که در ذیل به تفکیک ارائه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

مطالعه مؤلفه‌های خوانشِ نحویِ سازمان فضائی و پیکره‌بندی کالبدی ادوار تاریخی شیراز از دوره زندیه تا دوره معاصر در گونه‌بندی‌های مشخص منعکس شده در نمودارهای ۱ تا ۵، بیانگرِ تداوم‌ها و تغییرات در این مؤلفه‌هاست. یکی از این تحولات، در سازمان فضایی در دوره معاصر نسبت به ادوار گذشته‌ی مورد مطالعه در پژوهش حاضر، مسئله محرمیت و توجه به آن در سازمان فضایی خانه در دوره معاصر است. خانه‌های معاصر شهر شیراز اکثراً به گونه خانه‌هایی با توده در یک طرف حیاط (آپارتمانی) و خانه‌هایی با حیاط در اطراف توده (ویلائی) ساخته می‌شوند؛ بنابراین اولین چیزی که بیشتر مورد اغماض قرار گرفته است مسئله محرمیت می‌باشد که به کلی از چرخه پیکره‌بندی و سازمان فضایی خانه‌های امروزی حذف گردیده است. دومین تغییر مشهود در عدم توجه به حیاط و نقش آن در گسترش تعاملات اجتماعی افراد است. حیاط به‌عنوان مرکز تعاملات اجتماعی در دوره‌های گذشته تاریخی شهر شیراز در خانه‌های امروزی جایگاه خیلی ضعیفی دارد و تغییر این وضعیت در خانه امروزی است که با مرور زمان از پیکره‌بندی فضائی خانه ایرانی حذف یا تفکیک شده است. تغییردیگر، ایجاد تغییرات در ماهیتی همچون عمق نسبی از جایگاه فضاهای خدماتی به جایگاه فضاهای اصلی است که به موجب نفوذ فرهنگ غرب و همچنین معضلات شهرنشینی و تفکیک اراضی صورت گرفته است. تغییر وضعیت درون‌گرایی خانه‌های ایرانی به برون‌گرایی که ریشه در فرهنگ غرب، مدرنیته و فناوری‌هایش دارد. همان‌طور که در تحلیل نمودار ۴ بیان شد، تغییر اساسی در کاهش ارتباط فضایی و افزایش هم‌پیوندی در خانه‌های آپارتمانی امروز باعث جدایی و از هم گسیختگی کالبد معماری امروزی از ماهیت گذشته خود شده است که با کمی تدبیر در راهکارها و راهبردهای کالبدی می‌توان این دو آیت را همسو با کالبد گذشته خود درآورد. همان‌طور که در تحلیل نمودار ۵ بیان شد، تداوم یک نگرش - برون‌گرایی بر گرفته از فرهنگ غرب در دوره پهلوی - در ماهیت کالبدی خانه با توجه به نیازهای امروزی که دغدغه راحت‌طلب عوام است به‌صورت دست‌نخورده و بدون تغییر باقیمانده است. این مسئله نشان‌گر جایگزینی فرهنگ غرب با فرهنگ اصیل ایرانی است، آنجا که تغییر لازم است به‌صورت حداکثری انجام می‌شود و جایی که تغییر لازم نیست؛ خیلی ناملموس مطابق با کالبد معماری حرکت می‌کند. با توجه به تحلیل‌ها و نتایج به دست آمده از آن به کمک نرم‌افزار Space Syntax به‌صورت کاملاً آکادمیک و کمی خوانش جدیدی از نحوه تعاملات اجتماعی در پیکره‌بندی فضائی خانه‌های بومی شیراز در ادوار مختلف تاریخی انجام شد تا به موجب آن تغییر و تداوم موجود در سازمان فضائی و پیکره‌بندی فضائی آن خانه‌ها در ادوار مختلف تاریخی شناسایی گردید. حال با تکیه بر این تغییر و تداوم به دست آمده می‌توان پیکره‌بندی مبتنی بر شیوه زندگی و نظام رفتارها را تبیین و به‌گونه‌ای هدفمند برای خانه‌های امروزی طراحی نمود. این مسئله‌ای است که امروزه خیلی از دغدغه‌های اجتماعی تأثیرپذیری رفتارهای ناهنجار را از کالبد معماری تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و می‌توان الگوهای مناسب را از بدنه پیکره‌بندی فضائی معماری‌های مناطق گوناگون ایران و یا حتی کشورهای مختلف شناسایی نمود و بر اساس آن الگوی مناسب مبتنی بر سبک زندگی و نظام رفتاری مردم یک منطقه بخصوص را پایه‌گذاری نمود تا بدین ترتیب از ناهنجاری‌های اجتماعی متأثر از کالبد معماری نامناسب جلوگیری نمود. از طرف دیگر می‌توان با خوانش نحوی فضاهای معماری گذشته، تعاملات اجتماعی متأثر از کالبد معماری را به‌صورت کمی درآورد تا بتوان آن‌ها

را تحت مطالعات مختلف اجتماعی برای کاربردهای متفاوت مورد بررسی موشکافانه‌تر قرار داد و علوم مختلف را برای بهینه‌سازی سازمان فضائی پایدار با محیط اجتماعی به یاری طلبید.

منابع و مآخذ:

احمدی زاویه، سیدسعید، گلستان (۱۳۹۷) "عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی، مطالعه موردی: بازخوانی بهره‌گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی"، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۱، ۱۱۳-۸۱.

بل، سایمون و ریسمانچیان، امید (۱۳۸۹) "شناخت کاربردی چیدمان فضا در درک پیکره فضایی شهرها"، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، صص ۵۶-۴۹.

بل، سایمون و ریسمانچیان، امید (۱۳۹۰) "بررسی جدا افتادگی فضایی بافت‌های فرسوده در ساختار شهر تهران به روش چیدمان فضا"، نشریه باغ نظر، شماره ۱۷، صص ۸۰-۶۹.

توکلی کازرونی، مهدی، کشمیری، هادی (۱۳۹۶) "سنجش مؤلفه‌های معمارانه با تأکید بر هنر معماری ایران"، نمونه موردی شهر شیراز، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۶۶، صص ۱۲۰-۱۰۵.

ظفرنوبی، خسرو (۱۳۹۶) "بررسی مفهوم عرفانی «فضای تهی» در معماری اسلامی-ایرانی"، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۷، صص ۷۴-۵۷.

یزدانفر، عباس، موسوی، مهناز و دقیق، هانیه زرگر (۱۳۸۷) "تحلیل ساختار فضایی شهر تبریز در محدوده بارو با استفاده از تکنیک اسپیس سینتکس"، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره ۶۷، صص ۶۹-۵۸.

سهیلی، جمال‌الدین، عارفیان، انسیه (۱۳۹۵) "تحلیل روابط اجتماعی-انسانی در فضاهای مسجد-مدرسه‌های دوره قزوین قاجار بر اساس رویکرد نحو فضا"، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۳، ۴۹۱-۴۷۵.

Dawson, P.C. (2002): Space syntax analysis of Central Inuit snow houses, *Journal of Anthropological Archaeology*, 4 (21), pp: 464-480.

Hillier, B. and J. Hanson, (1984): *The Social Logic of Space*, Cambridge University Press, New York.

Hillier, B. (1999): *The Hidden Geometry of Deformed Grids: Or, Why Space Syntax Works, When it Looks as Though it Shouldn't*. *Journal of Environment and Planning B*, 26 (2), pp: 169-191.

Hohmann, H. (2005): *Culture of Memory and Maya Architecture: Architectural Documentation and Interpretation of Structure 1 of Chunchimai 3*. *Journal of Anthropological Notebooks*, 11, pp: 103-113.

Hillier, B. (2007): *Space and spatiality: what the built environment needs from social theory*. *Journal of Building Research & Information*, 3 (36), pp: 216-230.

Jiang, B and C. Claramunt, (2002): *Integration of Space Syntax into GIS: New Perspectives for Urban Morphology*. *Journal of Transactions in GIS*, 3 (6), pp: 295-309.

Klarqvist, B. (1993): *A Space Syntax Glossary*. Nordisk Arkitekturforskning, Göteborg.

Lima, J. J. (2001). *Socio-spatial Segregation and Urban Form: Belem at the End of the 1990s*, *Journal of Geoforum*, 32 (4), pp: 493-507.

Malkawi, F. and I. Al- Qudah, (2003): *The house as an expression of social worlds: Irbid's elite and their architecture*, *Journal of Housing and the Built Environment*, 18, pp: 25-48.

Montello, D. R. (2007): *The Contribution of Space syntax To a Comprehensive Theory of Environmental Psychology*, 6th International space syntax symposium, Istanbul.

Oliver, P. (2006): *Built to Meet Needs: Cultural Issues in Vernacular Architecture*, Architectural Press, London.

Rapoport, A. (1999): *A framework for studying vernacular design*, The Journal of Architectural and Planning Research, 16 (1), pp: 52-64.

Rapoport, A. (1969): *House Form and Culture*, Pearson, United State of America.

Robbins, E. (1984): *Architecture and culture: a research strategy*, Journal of Design Studies, 3 (5), pp: 175-177.

Said, I. (2001): *Determining Cultural-ethnic Landscape in Terrace Housing Community in Peninsular Malaysia*, Universiti Teknologi, Malaysia.

Wineman, J. and J. Peponis, and R. Dalton, (2006): *Exploring, Engaging, Understanding in Museums*, Proceedings of the Workshop held in Bremen, Germany.